



Volume 4, Issue 3, 2026

Mechanisms for the Rehabilitation of Sex Offenders in International Regulations and Documents and Iranian Laws

Alireza Khosravi¹, Amir Paknahad^{2*}, Mohammad Jafar Saed³

1. Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author).

3. Department of Criminal Law and Criminology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 37-48

Corresponding Author's Info:

ORCID: 0000-0001-7095-2582

TELL: +989122863571

Email: m.saed@iau.ac.ir

Article History:

Received: 13 Dec 2025

Revised: 25 Dec 2025

Accepted: 01 Feb 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Rehabilitation, Sex Offender,
International Documents,
Reformative Approaches,
Decriminalization.

ABSTRACT

Mechanisms for the Rehabilitation of Sex Offenders in Domestic Regulations and International Documents are one of the complex and debated topics in criminal justice systems. This article aims to analyze and evaluate different methods of reforming sex offenders with the aim of comparative study of methods and principles of rehabilitation of sex offenders in the two legal contexts of Iran and international regulations. At the international level, various documents such as the European Convention on Human Rights and UN declarations emphasize the observance of human rights and the prevention of torture and degrading treatment, and emphasize the need to provide humane conditions for the rehabilitation of sex offenders in prisons and after release. From the perspective of Iranian law, Articles 225 and 234 of the Islamic Penal Code, Article 10 of the Law on the Protection of Children and Adolescents approved in 2010, Article 82 and the second paragraph of Article 513 of the Criminal Procedure Code, and the rehabilitative approach of the Executive Regulations of the Prisons Organization approved in 2011 are important aspects of the reformative and rehabilitation approaches for sex offenders. The results of the article show that despite the differences in domestic and international approaches, creating a balance between punishment and reformation, and using human-centered methods, can lead to a reduction in recidivism and the successful return of criminals to society. In this regard, suggestions are made, including considering alternative social punishment for sex offenders while maintaining the heinousness of such inhuman and inhuman acts, to improve Iran's domestic approaches to the rehabilitation of sex offenders.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Khosravi, A; Paknahad, A & Saed, M. J (2026). "Mechanisms for the Rehabilitation of Sex Offenders in International Regulations and Documents and Iranian Laws". *Journal of International Criminal Law*, 4(3): 37-48.



انجمن عالی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه حقوق برای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق برای بین الملل

دوره چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۵

سازوکارهای بازپروری بزهکاران جنسی در مقررات و اسناد بین‌المللی و قوانین ایران

علیرضا خسروی^۱، امیر پاک‌نهاد^{۲*}، محمدجعفر ساعد^۳

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

سازوکارهای بازپروری بزهکاران جنسی در مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی یکی از مباحث پیچیده و مورد بحث در سیستم‌های عدالت کیفری است. این مقاله با هدف بررسی تطبیقی روش‌ها و اصول بازپروری مجرمان جنسی در دو بستر حقوقی داخلی ایران و مقررات بین‌المللی، به تحلیل و ارزیابی شیوه‌های مختلف اصلاح مجرمان جنسی پرداخته است. در سطح بین‌المللی، اسناد مختلف مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بیانیه‌های سازمان ملل بر رعایت حقوق بشر و جلوگیری از شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز تأکید دارند و بر لزوم فراهم آوردن شرایط انسانی برای بازپروری مجرمان جنسی در زندان‌ها و پس از آزادی تأکید می‌کنند. از منظر قوانین ایران، مواد ۲۲۵ و ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۰ از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، ماده ۸۲ و بند دوم از ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و رویکرد بازپرورانه آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰، ابعاد مهمی از رویکردهای اصلاحی و بازپروری برای مجرمان جرائم جنسی است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌ها در رویکردهای داخلی و بین‌المللی، ایجاد توازن بین مجازات و اصلاح و استفاده از روش‌های انسان‌محور، می‌تواند منجر به کاهش بازگشت به جرم و بازگشت موفقیت‌آمیز مجرمان به جامعه شود. در این راستا، پیشنهادهایی از جمله در نظر گرفتن مجازات اجتماعی جایگزین برای مجرمان جنسی با حفظ قبح چنین اعمال غیر شرعی و انسانی، برای بهبود رویکردهای داخلی ایران در زمینه بازپروری بزهکاران جنسی مطرح می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۷-۴۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اُرکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۵۹۰-۰۵۶۲

تلفن: +۹۸۹۱۷۷۰۰۴۱۲۸

ایمیل: m.saed@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

بازپروری، مجرم جنسی، اسناد بین‌المللی، رویکردهای اصلاحی، کیفرزدایی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

بازپروری بزهکاران جنسی یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در نظام‌های عدالت کیفری معاصر است. این فرایند پیچیده که شامل ارزیابی، درمان و کاهش خطر بازگشت به جرم می‌شود، نیازمند توجه به ابعاد مختلف روان‌شناختی، اجتماعی و قانونی است. از آنجاکه بزهکاران جنسی نه‌تنها تهدیدی برای قربانیان خود، بلکه برای جامعه به‌طور کلی محسوب می‌شوند، مسأله بازپروری آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل، تلاش‌ها برای پیشگیری از بازگشت به جرم و بهبود وضعیت روانی و اجتماعی این افراد از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از اصلی‌ترین ملاحظات در بازپروری بزهکاران جنسی، پیش‌بینی دقیق خطر ارتکاب مجدد جرم است. پیش‌بینی‌های دقیق می‌توانند در بهبود فرآیندهای درمانی و پیشگیری از خطرات جدید کمک‌کننده باشند. در این راستا، مطالعات مختلفی به ارزیابی دقت روش‌های پیش‌بینی بازگشت به جرم پرداخته‌اند. ابزارهای پیش‌بینی خطر، به‌ویژه آنهایی که بر پایه داده‌های آماری و شواهد بالینی استوار هستند، به‌طور گسترده‌ای در تحقیقات و سیاست‌گذاری‌های قضائی مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Hanson & Morton-Bourgon, 2009: 1).

این تحقیقات نشان داده‌اند که پیش‌بینی‌های مبتنی بر مدل‌های آماری به‌طور کلی دقت بیشتری دارند. در مقابل، پیش‌بینی‌های بالینی که عمدتاً توسط متخصصان حوزه روان‌شناسی و روان‌پزشکی انجام می‌شود، اگرچه ممکن است برای درمانگران آشنا و قابل دسترس باشند، اما معمولاً با مشکلاتی چون سوگیری‌های شناختی و محدودیت‌های انسانی روبرو هستند که موجب کاهش دقت آنها می‌شود (Grove et al., 2000: 19). درحالی‌که پیش‌بینی خطر به‌عنوان یک عنصر حیاتی در بازپروری بزهکاران جنسی مورد توجه قرار دارد، ارزیابی و درمان این افراد به شیوه‌ای مؤثر و اخلاقی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در این میان، مقررات بین‌المللی و اسناد حقوق بشری نظیر قوانین سازمان ملل و اصول حقوق بشر در زمینه درمان بزهکاران جنسی تأکید ویژه‌ای بر استفاده از شیوه‌های درمانی مؤثر دارند. این اسناد نه‌تنها به شواهد علمی در فرآیند درمان اشاره دارند، بلکه به حقوق فردی و

انسانی این افراد نیز توجه کرده‌اند. برای مثال، در اسناد بین‌المللی بر اهمیت استفاده از درمان‌های مبتنی بر شواهد تأکید شده است که به معنی استفاده از روش‌هایی است که نتایج آنها در تحقیقات علمی و تجربی معتبر و تأیید شده باشد (Harris & Rice, 2003: 198). در حقیقت، این درمان‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر کاهش رفتارهای ضد اجتماعی، به بهبود شرایط روانی و اجتماعی بزهکاران نیز کمک کنند. یکی از نکات کلیدی در این زمینه، استفاده از درمان‌های مبتنی بر شواهد است که به‌ویژه هنگامی که این درمان‌ها منجر به بهبود قابل توجه در رفتار و نگرش مجرمان می‌شود، می‌توانند احتمال بازگشت به جرم را کاهش دهند (Kazdin, 2008: 146).

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که برای رسیدن به درمانی مؤثر و کاهش احتمال بازگشت به جرم، لازم است که رویکردهای اصلاحی به‌طور دقیق و جامع طراحی شوند. این رویکردها باید مبتنی بر ارزیابی دقیق و علمی خطر، تحلیل دلایل رفتارهای مجرمانه و همچنین ارزیابی مستمر تأثیر درمان‌ها باشند. در این میان، توجه به شواهد علمی معتبر و استفاده از روش‌های مؤثر درمانی می‌تواند علاوه بر کاهش خطرات احتمالی برای جامعه، به کاهش آسیب‌های روانی به خود بزهکاران نیز کمک کند. به‌ویژه، رویکردهای درمانی مبتنی بر شواهد که به ارزیابی مستمر و درمان تخصصی تأکید دارند، می‌توانند برای بهبود وضعیت مجرمان جنسی و کاهش خطرپذیری ارتکاب جرم‌های جدید مؤثر واقع شوند (Kazdin, 2008: 15). در سطح بین‌المللی، نهادهای مختلف نظیر سازمان ملل و مؤسسات تخصصی وابسته به آن، کمیته حقوق بشر سازمان ملل و سایر نهادهای حقوق بشری، به‌طور مداوم بر لزوم رعایت اصول انسانی در بازپروری بزهکاران جنسی تأکید داشته‌اند. این نهادها در تلاشند تا اطمینان حاصل کنند که فرآیندهای بازپروری به‌گونه‌ای پیش روند که هم حقوق بزهکاران و هم حقوق قربانیان محترم شمرده شود. به همین دلیل، تدوین و به‌کارگیری استانداردهای حقوقی و عملی در زمینه بازپروری بزهکاران جنسی، به‌ویژه در سطح بین‌المللی، نه‌تنها از جنبه حقوق بشری مهم است، بلکه نقش اساسی در ارتقاء اثربخشی درمان‌ها و پیشگیری از ارتکاب جرم‌های جدید ایفا می‌کند.

مختلف می‌تواند راهگشای توسعه و اصلاح برنامه‌های درمانی و پیشگیرانه باشد.

۱- روش پژوهش

در این تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی برای بررسی و تحلیل مقررات و اسناد مربوط به بازپروری بزهکاران جنسی استفاده شده است. داده‌ها از طریق ابزار کتابخانه‌ای جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند تا به تحلیل سازوکارهای بازپروری در اسناد بین‌المللی و قوانین ایران پرداخته شود.

۲- ادبیات نظری تحقیق

۱-۲- بازپروری بزهکاران جنسی در پرتو قوانین و مقررات

بازپروری در علوم جنایی به‌معنای کلی شامل اقدامات درمانی پزشکی و روان‌شناختی، بهبود وضعیت اجتماعی بزهکاران و کمک به آنها برای رفع محرومیت‌ها و آموزش مهارت‌های شغلی است. این مفهوم از زمان پیدایش جرم‌شناسی علمی و به‌ویژه در مکتب دفاع اجتماعی جدید، به‌عنوان یکی از اهداف اساسی واکنش‌های اجتماعی به بزهکاری مطرح بوده است. بازپروری به‌دنبال راهبردی است که بزهکار را بازپذیرفته و از طرد و حذف او جلوگیری کند (Lappi-Seppälä, 2012: 1). هدف از توسل به بازپروری این است که فرد بزهکار از حالت انزوای اجتماعی و طرد شدن به شخصی فعال، مفید و مؤثر برای جامعه تبدیل شود. در سال‌های اخیر، توجه به بازپروری در جوامع مختلف به‌ویژه در میان اندیشمندان و سیاست‌گذاران جنایی افزایش یافته است. این مفهوم همچون بسیاری از مفاهیم علمی و اجتماعی دیگر در گذر زمان تغییرات زیادی و دچار تحولات فراوانی شده است. امروزه، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، شاهد ظهور رویکرد جدیدی در بازپروری هستیم که نتیجه تعامل میان مفاهیم «خطر جرم» و «بازپروری» است (نیازیور، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

تحولات در عرصه‌ی جرم‌شناسی و سیاست‌های کیفری، باعث شده تا این رویکرد بازپروری با دیدگاه‌های نوین در عرصه عدالت کیفری ترکیب شود. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، تلاش برای کاهش نرخ بزهکاری از طریق بازپروری به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی مطرح شده است. این رویکرد بر این اساس استوار است که مجازات‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند

(Hanson et al., 2009: 21). به‌علاوه اینکه بحث بازپروری بزهکاران جنسی به‌دلیل پیوند نزدیکی که با حقوق بشر و امنیت اجتماعی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بسیاری از کشورها، بازپروری بزهکاران جنسی با هدف کاهش خطرات اجتماعی و فراهم آوردن شرایطی برای اصلاح و بهبود فردی صورت می‌گیرد. اگرچه بعضی از افراد به اشتباه بر این باورند که هیچ درمانی برای مجرمان جنسی وجود ندارد، اما شواهد علمی و تجربی ثابت کرده‌اند که با استفاده از روش‌های علمی و درمانی مؤثر می‌توان احتمال ارتکاب جرم‌های جدید را به‌طور قابل‌توجهی کاهش داد.

به هر حال بحث بازپروری مجرمان جنسی نه‌تنها برای کاهش آمار جرم و جنایت ضروری است، بلکه به‌طور مستقیم با حفظ امنیت و آرامش جامعه نیز ارتباط دارد. از سوی دیگر، بازپروری می‌تواند به بهبود شرایط روانی و اجتماعی بزهکاران کمک کرده و به آنها فرصتی دوباره برای بازگشت به زندگی سالم و مفید در جامعه بدهد. اهمیت پرداختن به این موضوع به‌ویژه در دنیای امروز که شاهد تحولات سریع در نظریات روان‌شناسی و علوم اجتماعی هستیم، دوچندان می‌شود. برخورد علمی و اخلاقی با بزهکاران جنسی می‌تواند منجر به ساختارهایی شود که هم از جنبه پیشگیری و هم از جنبه اصلاح، برای جامعه مفید باشند. بنابراین مطالعه اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی ایران که به‌طور مشخص بر ابعاد کیفری متمرکز است، نقش مهمی در پرداختن به بازپروری مجرمان جنسی دارد. بر همین اساس، پرسش محوری تحقیق این است که سازوکارهای بازپروری بزهکاران جنسی در مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی چه نقشی در کاهش بازگشت به جرم دارند و چه تفاوت‌هایی میان این سازوکارها وجود دارد؟ با عنایت به اهمیت بحث، ابتدا بازپروری مجرمان بررسی خواهد شد و پس از آن به مطالعه اسناد، قوانین و مقررات موجود در عرصه بین‌الملل و حقوق داخلی پرداخته می‌شود. در نهایت، بررسی تطبیقی مقررات داخلی و بین‌المللی در زمینه بازپروری بزهکاران جنسی می‌تواند به شناسایی خلأها و چالش‌های موجود در سیاست‌های قضائی و درمانی موجود کمک کند. به‌ویژه، شناسایی شیوه‌های درمانی و پیشگیرانه در کشورهای

که نه تنها افراد مجرم را تنبیه کنند، بلکه به بازگشت آن‌ها به جامعه و تبدیل آن‌ها به اعضای مفید کمک کنند. برخی از کارشناسان بر این باورند که بدون توجه به بازپروری، نمی‌توان امیدی به کاهش نرخ بزهکاری داشت، چراکه تجربه نشان داده است که به‌ویژه در جوامع مدرن، تنها مجازات‌های فیزیکی و کوتاه‌مدت، باعث تغییر رفتار افراد نمی‌شود (Palmer & Bonta, 2010: 1).

در چهار دهه‌ی گذشته، تغییرات جدیدی در حوزه جرم و امنیت در کشورهای مختلف به وجود آمده که نتیجه آن، افزایش هم‌زمان جمعیت کیفری زندان‌ها و نرخ بزهکاری بوده است. این وضعیت موجب شده تا نگرانی‌های عمومی، نهادهای علمی و مقامات رسمی نسبت به تهدیدات ناشی از جرم و بزهکاران بیشتر شود. با این حال، نحوه پاسخ‌دهی نظام‌های حقوقی مختلف به این وضعیت، متفاوت بوده است. به‌طور کلی، می‌توان پاسخ‌های این نظام‌ها را به دو دسته‌ی اصلی تقسیم کرد: اول، گرایش به این دیدگاه که «هیچ چیزی مؤثر نیست» و نتیجه‌ی آن، تأکید بر ناتوانی بازپروری در کاهش بزهکاری و در نهایت بازگشت به رویکردهای سخت‌گیرانه‌تر در زمینه کیفر و مجازات است؛ دوم، اصلاح نظام عدالت کیفری و ادامه باور به مؤثر بودن اندیشه بازپروری (محمودی جانکی، ۱۳۸۶: ۱۱). حامیان نظریه‌ی مؤثر بودن بازپروری که در ابتدا عمدتاً روان‌شناسان کانادایی بودند، بر این عقیده‌اند نظریه‌ای که هیچ اثری از برنامه‌های اصلاحی و درمانی نمی‌بیند، مبتنی بر شواهد تجربی نیست و گسترش آن به‌ویژه در آمریکا، به دلیل وجود برخی زمینه‌های خاص بوده است؛ به عبارت دیگر، اگر این زمینه‌های آسیب‌زا وجود نداشت، ادعاهای مطرح‌شده توسط مارتینسون در سال ۱۹۷۴ میلادی می‌توانست تحت بررسی دقیق‌تر و نقد علمی قرار گیرد.

در این راستا، برخی پژوهشگران با استناد به مطالعات تجربی و داده‌های آماری، به این نتیجه رسیده‌اند که بازپروری در صورتی مؤثر واقع می‌شود که برنامه‌های بازپروری به‌درستی طراحی و پیاده‌سازی شوند و در این مسیر، نهادهای اجتماعی همچون خانواده، سیستم آموزشی و سازمان‌های اجتماعی نقش حیاتی دارند (Andrews & Bonta, 2021). این پژوهش‌ها نشان

می‌دهند که فرایند بازپروری زمانی مؤثر خواهد بود که جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی فرد بزهکار به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد و تنها محدود به اقدامات درمانی یا آموزشی نباشد. مطالعات انجام شده در کشورهای اسکاندیناوی نیز نشان داده است که رویکردهای مبتنی بر بازپروری و اصلاح در مقایسه با سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه‌تر، تأثیرات مثبتی بر کاهش نرخ بازگشت به جرم دارند. در این کشورها، سیستم‌های کیفری به‌طور معمول از مجازات‌های زندان و حبس طولانی مدت به سمت برنامه‌های اصلاحی و بازپروری با هدف بازگرداندن فرد به جامعه و پیشگیری از جرم حرکت کرده‌اند (Lappi-Seppälä, 2012: 1).

مفهوم بازپروری همچنین در جوامع مختلف به‌ویژه در دوران معاصر با چالش‌هایی روبرو است. یکی از این چالش‌ها، مسأله‌ی محدودیت منابع و فشاری است که بر سیستم‌های عدالت کیفری وارد می‌شود. بسیاری از کشورها با مشکلات اقتصادی مواجه هستند که به‌ویژه در خصوص تأمین منابع برای برنامه‌های بازپروری تأثیرگذار است. در این راستا، به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری در برنامه‌های بازپروری می‌تواند در درازمدت به نفع جامعه باشد و از هزینه‌های ناشی از جرم و بزهکاری بکاهد. برای اینکه بازپروری بتواند تأثیر واقعی و مؤثری داشته باشد، باید به این نکته توجه شود که ایجاد تغییرات پایدار در رفتار بزهکاران نیازمند تغییرات ساختاری در جامعه است. به این معنا که علاوه بر اقدامات فردی، باید شرایط اجتماعی و اقتصادی به‌گونه‌ای اصلاح شود که زمینه برای ارتکاب جرم کاهش یابد. این اصلاحات ممکن است شامل بهبود شرایط اقتصادی، ارتقاء آموزش و فرهنگ عمومی و تقویت سیستم‌های حمایت اجتماعی باشد.

۳- بازپروری بزهکاران در اسناد بین‌المللی

بازپروری بزهکاران در اسناد بین‌المللی، بر اصلاح و بازگشت اجتماعی مجرم تأکید دارد. اسناد مانند "اعلامیه حقوق بشر" و "کنوانسیون‌های متعدد حقوق بشری" بر اصول بازگشت‌پذیری، اصلاح فرد و کاهش تکرار متمرکز هستند. این اسناد به کشورهای عضو توصیه می‌کنند که از مجازات‌های

(۱) حق هر فرد است که در زندگی تحت حفاظت قانون قرار گیرد. هیچ‌کس نباید به‌طور عمدی از حق زندگی خود محروم شود، مگر در اجرای حکم دادگاه پس از محکومیت به جرمی که برای آن مجازات حبس پیش‌بینی شده باشد.

(۲) محرومیت از زندگی زمانی که به استفاده از نیرویی که بیشتر از حد ضروری نباشد منتهی شود، طبق این ماده نقض به‌شمار نمی‌آید، به‌ویژه در موارد زیر:

(الف) در دفاع از هر شخصی در برابر خشونت غیرقانونی،
(ب) به‌منظور انجام یک دستگیری قانونی یا جلوگیری از فرار شخصی که به‌طور قانونی بازداشت شده است،
(ج) در اقداماتی که به‌طور قانونی برای سرکوب یک شورش یا قیام انجام می‌شود (Council of Europe, 2004).

یا در ماده اول از قانون پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۰۰ در رم به تصویب رسید، با مطرح کردن «ممنوعیت تبعیض» آمده است:

(۱) بهره بردن از هر حق مقرر توسط قانون باید بدون تبعیض از هر نوعی مانند جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، ارتباط با اقلیت‌های ملی، دارایی، تولد یا وضعیت دیگر تأمین شود.

(۲) هیچ‌کس نباید توسط هیچ مقام عمومی بر اساس هیچ دلیلی از جمله موارد ذکر شده در بند ۱ مورد تبعیض قرار گیرد (Council of Europe, 2000).

یا در قوانین دیگر مربوط به ممنوعیت اعدام، به حقوق مجرمان به دلایلی از جمله انسان بودن و لزوم بازگشت آنان از منظر اصلاح رفتارهای گذشته، اشاره شد که قابل اطلاق به جرائم جنسی نیز می‌باشد؛ بدین ترتیب در بسیاری از قوانین بین‌المللی، منع اعدام به‌عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده است. از جمله این مقررات، پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که به لغو مجازات اعدام در تمامی شرایط پرداخته و در تاریخ ۳ مه ۲۰۰۲ به تصویب رسید. این پروتکل به‌طور خاص به ممنوعیت اجرای مجازات اعدام اشاره دارد و در تمام شرایط و بدون هیچ استثنایی این مجازات را غیرقانونی می‌داند. در ماده یک از قانون اخیرالذکر آمده است: «مجازات اعدام باید

شدید دوری کنند و به بازپروری از طریق آموزش، درمان و حمایت اجتماعی توجه کنند که از دو منظر عام و خاص قابل بررسی هستند.

۳-۱- حقوق عام بزهکاران جنسی در اسناد بین‌المللی

اسناد بین‌المللی به‌طور عام و برای بزهکاران جنسی نظیر هر بزهکار و یا مجرم دیگری، حقوق و شرایطی تعیین کرده‌اند تا در پرتو آن بتوانند از سازوکارهای بازپروانه جهت بازگشت به شرایط عادی و جامعه بهره‌مند شوند.

در ۴ ماده ابتدایی از قانون اصول بنیادین درمان زندانیان مصوب ۱۹۹۰ آمده است:

(۱) تمامی زندانیان باید با احترامی که شایسته کرامت ذاتی و ارزش انسانی آنها است، رفتار شوند.

(۲) هیچ‌گونه تبعیضی نباید بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا وضعیت دیگر اعمال شود.

(۳) با این حال، احترام به باورهای دینی و اصول فرهنگی گروهی که زندانیان به آن تعلق دارند، در صورتی که شرایط محلی ایجاب کند، امری مطلوب است.

(۴) مسئولیت زندان‌ها در قبال نگهداری زندانیان و حفاظت از جامعه در برابر جرم باید به‌گونه‌ای انجام شود که با دیگر اهداف اجتماعی کشور و مسئولیت‌های بنیادین آن در جهت ترویج رفاه و توسعه تمام اعضای جامعه هم‌راستا باشد (United Nations, 1990).

همین رویه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ که بعدها در موارد متعددی نیز اصلاح و بازنگری شد، بدین صورت آمده است که در ماده ۱۴ به آن اشاره شده است: «بهره بردن از حقوق و آزادی‌های مقرر در این کنوانسیون باید بدون تبعیض از هر نوعی مانند جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، ارتباط با اقلیت‌های ملی، دارایی، تولد یا هر وضعیت دیگر تأمین شود» (Council of Europe, 2004). یا در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق مجرمان نیز به‌عنوان انسان در حالت عام و عمومی آن و برابر با سایر افراد در نظر گرفته است. در ماده سوم از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است:

لغو شود، هیچ‌کس نباید به چنین مجازاتی محکوم یا اعدام شود» (Council of Europe, 2002).

یا در مواد ابتدایی قانون منع شکنجه آمده است:

(۱) برای اهداف این کنوانسیون، عبارت "شکنجه" به هر عملی اطلاق می‌شود که در آن درد یا رنج شدید، اعم از جسمی یا روانی، به‌طور عمدی بر فردی وارد می‌شود برای اهدافی مانند: گرفتن اطلاعات یا اعتراف از او یا شخص ثالث، مجازات او به دلیل عملی که او یا شخص ثالث مرتکب شده‌اند یا مظنون به ارتکاب آن هستند، و یا ترساندن یا تحت فشار قرار دادن او یا شخص ثالث، یا به هر دلیلی که بر اساس تبعیض از هر نوع باشد، زمانی که چنین درد یا رنجی توسط یک مقام عمومی یا شخص دیگری که در موقعیت رسمی عمل می‌کند، وارد شده باشد یا به تحریک یا با رضایت یا سکوت یک مقام عمومی یا شخصی که در موقعیت رسمی عمل می‌کند، باشد. این عبارت شامل درد یا رنجی که تنها از مجازات‌های قانونی ناشی می‌شود یا به آن مرتبط است، نمی‌باشد.

(۲) این ماده به هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی یا قوانین ملی که ممکن است شامل مقرراتی با دامنه کاربرد وسیع‌تر باشد، لطمه‌ای وارد نمی‌کند (United Nations, 1984). بنابراین از منظر اسناد بین‌المللی، لزوم برخورد یکسان، بدون تبعیض، توجه به رفتارهای اصلاح‌گرایانه، منع اعدام برای بزهکاران و مقرراتی برای منع شکنجه زندانیان و مجرمان در نظر گرفته شده که قابل اطلاق به مجرمان جنسی نیز می‌باشد و مقدمه ورود به حمایت از سازوکارهای بازپرورانه برای مجرمان جنسی است.

۲-۳- بازپروری مجرمان جنسی در پرتو اسناد بین‌المللی

سند مهمی که در زمینه‌ی استانداردها و هنجارهای مجازات قابل بررسی است، بیانیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «بیانیه‌ی حمایت از همه افراد در برابر شکنجه یا سایر مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز» است که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. این بیانیه بر ممنوعیت قطعی شکنجه و مجازات‌های غیرانسانی (ماده ۳) تأکید دارد و دولت‌ها را ملزم به پیشگیری از وقوع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی (ماده ۴) می‌کند. همچنین، نظارت مستمر

و دقیق بر زندان‌ها و مراکز بازداشت به‌منظور جلوگیری از شکنجه و مجازات‌های غیرانسانی به‌عنوان یک وظیفه اصلی برای دولت‌ها در نظر گرفته شده است (ماده ۶). در این سند، همچنین بر لزوم رسیدگی به موارد شکنجه حتی بدون شکایت (ماده ۹) و جبران خسارت و اصلاح نتایج ناشی از رفتارهای غیرانسانی که توسط مقامات عمومی انجام شده (ماده ۱۱) تأکید گردیده است. علاوه بر این، اصل عدم استفاده از نتایج حاصل از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی علیه افراد دیگر نیز (ماده ۱۲) در این بیانیه مورد تأکید قرار گرفته است (United Nations, 1992). این بیانیه و مفاد آن، از منظر بازپروری مجرمان جنسی بسیار حائز اهمیت است. استدلال مطرح شده این است که جلوگیری از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در سیستم قضائی و زندان‌ها، نه‌تنها موجب حفظ حقوق بشر می‌شود، بلکه تأثیر مستقیمی بر فرآیند بازپروری و اصلاح رفتار مجرمان جنسی دارد. وقتی که مجرمان در محیطی انسانی و بدون تهدید شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز قرار می‌گیرند، امکان اصلاح و بازسازی روانی و اجتماعی آن‌ها بیشتر می‌شود. به‌علاوه، نظارت مستمر و شفاف بر زندان‌ها و برخورد مناسب با زندانیان می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه و کمک به اصلاح مجرمان جنسی ایفا کند. بدین- ترتیب، این اصول می‌توانند بخشی از رویکردهای مؤثر در بازپروری مجرمان جنسی و توانمندسازی آن‌ها برای بازگشت به جامعه باشند.

به‌طور مشخص، قانون حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۹۵ که در ژنو تصویب شد در مواد ۷۹ تا ۸۱ از اصول خود تحت عنوان «روابط اجتماعی و مراقبت‌های بعد از آزادی» آورده است که این مواد قانونی شامل موارد زیر می‌باشد:

۷۹- برای حفظ و بهبود روابط مطلوب بین زندانی و خانواده‌اش که به نفع هر دو طرف باشد، باید توجه ویژه مبذول شود.

۸۰- از ابتدای محکوم شدن زندانی، ملاحظات را باید برای آینده او پس از آزادی در نظر داشت و او را تشویق و یاری کرد تا چنین روابطی را با اشخاص یا سازمان‌های خارج از زندان حفظ یا برقرار کند تا بهترین منافع خانواده او و بازپروری اجتماعی خود او تأمین شود.

شخصیت انسانی آنان کمک می‌کند» (United Nations, 1990).

یا در ماده ۸ از همین ماده نیز آمده است: «شرایطی باید فراهم شود تا زندانیان قادر باشند شغل‌های معنی‌دار و پرداخت‌شده‌ای را انجام دهند که به بازگشت آنان به بازار کار کشور کمک کرده و به خود و خانواده‌هایشان در تأمین مالی کمک کند». دیدگاه ماده اخیر در ارتباط با بازپروری مجرمان جنسی بدین صورت است که در خصوص اشتغال مناسب برای زندانیان پس از آزادی، به مجرمان جنسی کمک می‌کند تا پس از آزادی، وارد بازار کار شوند و به تأمین مالی خود و خانواده‌هایشان بپردازند که می‌تواند از تکرار جرم جلوگیری کند (United Nations, 1990). علاوه بر اسناد فوق، بیانیه کامپالا در مورد شرایط زندان‌ها در آفریقا که در تاریخ ۲۱ جولای ۱۹۹۵ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، بر جنبه‌های مختلفی از وضعیت زندان‌ها تأکید دارد. این بیانیه علاوه بر تکرار اصول مطرح‌شده در اسناد قبلی، به اثرات منفی زندان‌ها و لزوم استفاده حداقلی از آنها (بند ۵) اشاره می‌کند. همچنین تأکید شده که باید به زندانیان در معرض خطر مانند کودکان، زنان، بیماران روانی و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر توجه ویژه‌ای شود (بند ۸). در این سند به ضرورت آشنایی جامعه با راه‌های جایگزین حبس و استفاده از روش‌های غیرکیفری برای جرائم سبک نیز اشاره شده است. علاوه بر این، ذکر شده که پلیس و مقامات قضائی باید از مشکلات ناشی از ازدحام در زندان‌ها آگاه باشند و با برقراری ارتباط با مسئولین زندان‌ها، اقدامات لازم برای حل این معضلات را انجام دهند (بند ۱). دولت‌ها نیز موظف به تأمین منابع مالی و مادی لازم برای بهبود شرایط کاری کارکنان زندان‌ها هستند.

سند مهم بعدی که در رابطه با استانداردها و هنجارهای مجازات قابل بررسی است، بیانیه "آروشا" در زمینه رویه‌های زندان خوب است که در تاریخ ۳۰ آگوست ۱۹۹۹ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد رسید. در این سند تأکید شده که مدیریت زندان به‌عنوان یکی از خدمات اجتماعی باید در نظر گرفته شود و مردم باید از نحوه عملکرد زندان‌ها و اصول حاکم بر آن آگاه باشند. همچنین، این سند بر

(۸۱ - ۱) سرویس‌ها و سازمان‌ها، اعم از دولتی یا غیردولتی که به زندانیان آزادشده کمک می‌کنند تا خود را دوباره در اجتماع تثبیت کنند تا آنجا که ممکن و ضروری است، باید اطمینان حاصل کنند که اسناد و مقررات، بسترهای کافی در اختیار زندانیان آزادشده قرار می‌دهند تا خانه و کار مناسب داشته باشند و با توجه به شرایط آب‌وهوا و فصل، لباس کافی و مناسب داشته باشند و از امکانات کافی برای رسیدن به مقصد خود و ادامه حیات در دوره بلافاصله پس از آزادی برخوردار باشند. سند یادشده نیازهای روزمره مجرمان را در بستر بازپروری مدنظر قرار می‌دهد تا بتوانند به‌صورت مؤثر، زندگی خود را پس از دوران محکومیت یا بهره‌مندی از مجازات‌های اجتماعی جایگزین ادامه دهند. این رویه درباره مجرمان جنسی که در اسناد بین‌المللی مستثنا نشده‌اند، قابل اطلاق است.

یکی دیگر از اسناد بین‌المللی که به بحث بازپروری مجرمان اختصاص دارد و قابل تعمیم به بازپروری مجرمان جنسی نیز می‌باشد، سند سازمان ملل درباره منع شکنجه زندانیان و مجرمان است. ماده ۱۰ از این سند به‌طور خاص به بازگرداندن زندانیان به جامعه و بازپروری آنها اشاره دارد. در این ماده آمده است: «با مشارکت و کمک جامعه و نهادهای اجتماعی و با در نظر گرفتن منافع قربانیان، شرایطی مطلوب باید برای بازگشت مجدد زندانی به جامعه و ادغام مجدد او تحت بهترین شرایط ممکن فراهم شود» (United Nations, 1990). حسب این ماده، با مشارکت جامعه و نهادهای اجتماعی، شرایطی باید فراهم شود که مجرمان آزاد شده، تحت بهترین شرایط ممکن به جامعه بازگردند. این امر در زمینه‌ی بازپروری مجرمان جنسی به‌ویژه از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا بازگشت موفقیت‌آمیز آنها به جامعه نیازمند توجه ویژه به فرآیندهای اصلاحی و درمانی است که به کاهش احتمال بازگشت به جرم و بهبود رفتار آنان کمک می‌کند. همچنین، ماده ۶ که به حق زندانیان برای مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی اشاره دارد، به‌ویژه در زمینه بازپروری مجرمان جنسی مهم است، چراکه این نوع فعالیت‌ها می‌تواند به بهبود شخصیت و رفتار زندانیان کمک کند و فرآیند بازسازی اجتماعی آنها را تسهیل نماید. در این ماده به صراحت ذکر شده که: «تمامی زندانیان باید حق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی را داشته باشند که به توسعه کامل

اهمیت اصل شفافیت و پاسخگویی در مدیریت زندان‌ها و مراقبت از حقوق زندانیان تأکید می‌کند.

سند دیگری که در همین زمینه قابل بررسی است، بیانیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «بیانیه حمایت از افراد در برابر شکنجه یا سایر مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده» است که توسط مجمع عمومی به تصویب رسید. این بیانیه نیز بر لزوم رعایت اصول انسانی در برخورد با مجرمان و زندانیان تأکید دارد (United Nations Economic and Social Council, 1999). بدین ترتیب از منظر بررسی اسناد جهانی باید گفت که تمامی این اسناد، در کنار اصول حقوق بشری و استانداردهای بین‌المللی، به‌طور غیرمستقیم به موضوع بازپروری مجرمان نیز مرتبط می‌شود؛ چراکه مدیریت مؤثر زندان‌ها، شفافیت در اجرای قوانین و توجه به حقوق انسانی زندانیان، نقش بسزایی در فرآیند بازسازی و اصلاح رفتار مجرمان ایفا می‌کند. در نتیجه، بهبود شرایط زندان‌ها و اتخاذ رویکردهای انسان‌محور در مدیریت آن‌ها، می‌تواند موجب تسهیل روند بازپروری مجرمان شده و زمینه را برای بازگشت موفق آن‌ها به جامعه فراهم کند.

۴- بازپروری مجرمان جنسی در مقررات داخلی ایران

بازپروری مجرمان جنسی در مقررات داخلی ایران شامل اقدامات قانونی و درمانی است که هدف آن کاهش تمایل به ارتکاب جرم و اصلاح رفتار فرد است. در قوانین ایران، این فرآیند بیشتر بر پایه‌ی مجازات‌های بازدارنده، نظارت و در برخی موارد درمان‌های روان‌شناختی قرار دارد، اما توجه به بازپروری به‌طور کلی کمتر از مجازات‌های سخت است که نیازمند بررسی رویکرد عام به بازپروری و مواد یا قوانین تخصصی در زمینه‌ی بازپروری مجرمان جنسی است.

۴-۱- حقوق عام بزه‌کاران جنسی در اسناد ایران

بازپروری مجرمان جنسی به‌طور خاص در قوانین ایران وجود ندارد، اما بازپروری در معنای عام آن، به‌عنوان بخشی از سازوکارهای اجتماعی و با هدف بازگرداندن و اصلاح مجرم دنبال شده است که هدف نهایی آن، فایده‌مند بودن مجازات است که تنها به شدت مجازات اکتفا نمی‌کند (محمدی‌کی و اکبرزاده سراج، ۱۴۰۳: ۱۲۵). این رویه اگرچه در قوانین داخلی

ایران برای حبس زدایی و کیفرزدایی مدنظر قرار گرفته است، اما به دلیل اینکه جرائم جنسی مستوجب مجازات حدی و جرم آنان در نصوص شرعی است، انعطاف کمتری برای پذیرش رویکردهای اصلاحی نشان داده است. با این حال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برخی کوشش‌ها برای گنجاندن برخی شروط جهت استفاده از رویکردهای اصلاحی در ارتباط با جرائم جنسی قابل مشاهده است.

علاوه بر این، در ماده ۱۱۳ از قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بحث تحول در نظام کیفری و در پیش گرفتن سیاست حبس‌زدایی از سوی دستگاه قضایی مورد تأکید قرار گرفته است (ریاضت، ۱۳۹۷: ۱۸). این رویه در قوانین داخلی اعم از قانون برنامه ششم توسعه و همچنین موادی از قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۲۲۵ و ۲۳۴ به‌صورت کلی بیان شده که می‌تواند دربرگیرنده بزه‌کاران جنسی نیز باشد. استدلال مطرح‌شده در قوانین ایران به این صورت است که اصلاح مجرم، وابسته به اراده و خواست مجرم است و این تنها جسم است که در اختیار قانون‌گذار قرار دارد و اصلاح و بازپروری، تابع خواست و اراده فرد بزه‌کار است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۰)؛ بنابراین اصلاح و بازپروری هم معطوف به حفظ کرامت انسانی از جمله مجرمان و ارتقاء کیفیت زندگی آنان در زندان است و هم فراهم کردن شرایطی برای حضور مؤثر و مجدد آنان در جامعه.

در آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰ نیز شرایط عمومی مراقبت از زندانیان بر مبنای کرامت انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. در ماده ۸۹ از آیین‌نامه اخیر، هم‌سو با اصل ۳۸ قانون اساسی، از همکاری زندان‌ها با آموزش و پرورش، سازمان نهضت سوادآموزی، سازمان فنی و حرفه‌ای، برای همکاری با زندانیان جهت آموزش و فراهم نمودن امکانات به‌صورت عادلانه تأکید شده است (آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰). این سازوکار نقش مهمی برای اصلاح و بازپروری مجرمان از حیث آگاهی و دانش، شناخت مسائل مختلف و حتی یادگیری برخی حرفه‌ها برای دوران پس از آزادی نقش مهمی دارد.

۴-۲- بازپروری مجرمان جنسی در قوانین داخلی

حفظ کرامت و حیثیت افراد مورد توجه اصول قانون اساسی قرار گرفته که در مقدمه‌ی قانون اساسی و موادی از آن، بدان اشاره شده است (منصور، ۱۳۹۷: ۱۸). در همین راستا و بر اساس اصل ۴ قانون اساسی و ضرورت انطباق قوانین کشور با اصول حقوقی اسلامی، قانون‌گذاران مجلس شورای اسلامی به تبعیت از احکام فقهی و بر اساس منابع فقهی معتبر، اقدام به جرم‌انگاری جرائم جنسی مشمول حد نموده و برای این‌گونه جرائم، مجازات‌های منطبق با شریعت اسلامی را تعیین کردند. از زمان تصویب نخستین قانون در این زمینه که به قانون حدود و قصاص و دیات مصوب ۱۳۶۱ شناخته می‌شود تا تصویب قوانین جدیدتر مانند مقررات سال ۱۳۹۲، تغییرات چشمگیری در نحوه برخورد با جرائم جنسی مشمول حد ایجاد نشده است و عمدتاً تغییرات در خصوص نوع و چگونگی تعیین مجازات برای جرائم جنسی تعزیری است.

۴-۲-۱- بازتوانی و بازسازگاری جرائم غیر «حدی»

با تصویب و اجرای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رویکرد جدیدی در خصوص جرائم مشمول حد از سوی قانون‌گذار مطرح شد. قانون‌گذار در ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی آورده است: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هریک می‌باشد». یا اینکه ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی نیز به‌طور مشخص بر جرائم جنسی اشاره کرده و انعطافی در زمینه استفاده از رویکردهای اصلاحی جهت بازپروری مجرمان جنسی باز گذاشته است. در این ماده آمده است: «حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است».

در ماده اخیر، قائل شدن به مجازات ضربه شلاق برای جرائم جنسی حاکی از نوع تغییر رویه توسط قانون‌گذار است. علاوه بر این ماده، قانون‌گذار در ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی، صد ضربه شلاق به‌عنوان راهی برای جلوگیری از اعدام فاعل و

بزهکار جنسی ارائه کرده که در مراحل بعدی با اقدامات بازپرورانه بتواند به حیات خود ادامه بدهد. بنابراین با بررسی اصول یادشده این نتیجه حاصل می‌شود که فلسفه‌ی کیفر در نظام فقهی و حقوقی بدین صورت است که نظام حقوقی اسلام تلاش دارد تا مجازات‌های متعارف و عادلانه را برای مجرمین در نظر بگیرد (زارعی‌کمالیه، ۱۳۹۹: ۲۰۴). متعارف بودن و عادلانه بودن نیازمند در نظر گرفتن ملاحظات عرفی، شرایط فردی، بستر شکل‌گیری جرم و تفکیک انگیزه مجرمان مختلف از ارتکاب یک جرم در حوزه جرائم جنسی است. همچنان که در ماده ۱۵۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها آمده است: «سازمان باید تا حد امکان و با هدف بازتوانی و بازسازگاری تغییر الگوی رفتار مجرمان و به‌ویژه مجرمان دارای سابقه کیفری، به‌صورت تمام‌وقت یا پاره‌وقت، خدمات مشاوره تخصصی روانشناسی و روان‌پزشکی را به زندانیان ارائه کند» (آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰). بنابراین در قانون یادشده، محکومان کیفری که شامل مجرمان جنسی اعم از آزارگران جنسی یا متجاوزان می‌شود، به‌سوی مشاوره تخصصی و روان‌شناسی سوق داده می‌شوند تا بازتوانی و بازسازگاری در قبال آنان اجرایی شود.

۴-۲-۲- بازپروری بر مبنای وضعیت مجرم

ملاحظه وضعیت فردی مجرم و شرایط وقوع جرم از جمله موضوعات دیگری است که راهی برای بازپروری مجرمان جنسی فراهم می‌آورد. تبصره دوم از ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری نیز در همین راستا قابل ذکر است: «تبصره ۲- به‌جز مواردی که در قانون یا در حکم دادگاه تصریح شده است، محکومان با توجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیت‌شان، بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی و تأیید قاضی اجرای احکام در یکی از بخش‌های فوق نگهداری می‌شوند» (قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴). تبصره اخیر بر تفکیک و طبقه‌بندی محکومان تأکید دارد که یکی از اصول کلیدی در اصلاح و بازپروری مجرمان محسوب می‌شود.

همین رویه به نحو دیگری در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز لحاظ شده و به مجرمانی که مشمول جرائم حدی نیستند، با در نظر داشتن شرایطی مانند

درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد».

بدین ترتیب اگر ماده ۱۰ از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و قانون آیین دادرسی کیفری با هدف استفاده از جرائم درجه ۵ تا ۸ از یکسو و توصیه به میانجیگری برای متهم و بزه‌دیده به‌صورت توأمانی در نظر گرفته شود، سازوکارهای مهمی برای بازپروری مجرمان جنسی فراهم می‌شود. با حفظ قوانین سختگیرانه و ایجاد بستری برای بازپروری مجرمان جنسی، هم کرامت و آبروی انسانی محفوظ می‌ماند و هم اینکه قبح ذاتی بزهکاری جنسی و دیگر جرائم حدی که انسان به‌طور فطری به آن پی می‌برد و شرع مقدس نیز بر آن تأکید دارد، حفظ می‌شود (پهلوان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۰). در این صورت، بازپروری مجرمان جنسی در قوانین ایران، قبل از آنکه به‌عنوان یک حق بدیهی برای این افراد در نظر گرفته شود، فرصتی برای بازاندیشی مجرمان در اعمال خود و همچنین فراهم شدن شرایطی برای ترویج رویکردهای بازپرورانه در نهادهای قضایی است.

با عنایت به قوانین یادشده، هرچند در ارتباط با مجرمان جنسی، رویه‌ی قضایی هم‌راستا با سیاست‌های تقنینی، سیاست‌های سخت‌گیرانه و سزادهنده را ملاک عمل خود قرار داده است، اما در سال‌های اخیر، تحت تأثیر شرایط اجتماعی و تحولات فرهنگی، دستگاه قضایی از همراهی کامل با سیاست‌های تقنینی فاصله گرفته است و نوعی رویکردهای بازپرورانه را برای بازسازی مجرمان در پیش گرفته است. این دیدگاه‌ها حتی با یافته‌های روز دنیا نیز منطبق هستند و با ضوابط فقهی و حقوقی متناسب بوده و در تضاد با شرایط فرهنگی، اجتماعی و بومی جامعه نیستند (عبدالکریمی و حسینی، ۱۴۰۱: ۷۰). این رویکردها، ضمن کاهش اثرات منفی مجازات‌های سنگین، در پی فراهم آوردن شرایط بازپروری و اصلاح بزهکار است تا از این طریق، فرآیند اصلاحی و بازگشت مجدد فرد به جامعه تسهیل گردد.

وضعیت بزه‌دیده، شرایط مرتکب و آثار جرم، به ترتیب زیر مجازاتی در نظر گرفته است:

۱. آزار جنسی تماسی توسط محارم یا با عنف به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛
۲. سایر آزارهای جنسی تماسی به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛
۳. آزار جنسی غیر تماسی توسط محارم یا با عنف به یکی از مجازات‌های درجه هفت قانون مجازات اسلامی.

در این ماده نیز رویکرد اصلاحی و بازسازی برای مجرمان جرائم جنسی قابل مشاهده است؛ به‌طوری که مجرمان محکوم به جرائم غیر حدی به مجازات‌های نقدی و یا اجتماعی محکوم می‌شوند تا در کنار آن بتوانند فرایند بازپروری را به نحوی برای آنان فراهم آورند.

باز در همین زمینه، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ با توصیه به سازش میان متهم و شاکی درصدد است تا با رویکردی میانجیگرانه، زمینه را برای گذشت از مجرمان فراهم آورد که قابل تعمیم به مجرمان جنسی از حیث رفتارهای اجتماعی و بازتوانی آنان می‌باشد. در ماده ۸۲ از قانون اخیرالذکر آمده است: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضائی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضائی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک‌بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضائی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضائی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به

نتیجه‌گیری

سازوکارهای بازپروری بزهکاران جنسی، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، در چارچوب‌هایی پیچیده از حقوق بشری و اصول قانونی تعریف می‌شوند که هدف اصلی آن‌ها پیشگیری از بازگشت به جرم و تسهیل فرآیند بازگشت مجرمان به جامعه است. در سطح بین‌المللی، اسناد مختلفی مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بیانیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر لزوم رعایت حقوق بشر، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و توجه به فرآیندهای اصلاحی در برخورد با مجرمان تأکید دارند. به‌ویژه، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که به ممنوعیت شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز اشاره دارد، تأکید می‌کند که زندانیان، از جمله مجرمان جنسی، باید در محیطی انسانی و با رعایت کرامت انسانی زندانی شوند. این اصول، علاوه بر حفظ حقوق انسان‌ها، به‌طور مستقیم به بهبود فرآیندهای بازپروری و اصلاح رفتار مجرمان جنسی کمک می‌کنند. بدین ترتیب در سطح اسناد بین‌المللی، توجه ویژه به بازگشت مجرمان به جامعه در سند "حمایت از همه افراد در برابر شکنجه و مجازات‌های غیرانسانی" و قانون حداقل مقررات رفتار با زندانیان به‌وضوح دیده می‌شود. این اسناد تأکید دارند که زندانیان باید شرایط مناسب برای بازگشت به جامعه داشته باشند و از فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی برای اصلاح رفتار خود بهره‌مند شوند. ماده ۱۰ از کنوانسیون ضد شکنجه، به‌ویژه بر این نکته تأکید دارد که با مشارکت نهادهای اجتماعی، باید شرایطی فراهم شود که زندانیان، از جمله مجرمان جنسی، بتوانند مجدداً به جامعه بازگردند. در نهایت، آنچه که از ترکیب این اسناد و قوانین به‌دست می‌آید، لزوم استفاده از رویکردهای اصلاحی در برابر مجرمان جنسی است.

اما در حقوق داخلی ایران همچنان به دلیل ساختار فقهی و وجود جرائم حدی، ظرفیت‌های اصلاحی محدودتری وجود دارد، اما هم‌راستایی با رویکردهای بین‌المللی و توجه به حقوق انسانی مجرمان می‌تواند گامی مؤثر در جهت اصلاح سیستم کیفری کشور باشد؛ بنابراین، باید در مسیر بازپروری مجرمان جنسی در ایران، توجه بیشتری به مبانی حقوق بشری و ابزارهای اصلاحی شود تا در کنار حفظ حقوق قربانیان، فرآیند

بازگشت مجرمان به جامعه با موفقیت بیشتری همراه باشد. اما از منظر قوانین داخلی، مواد ۲۲۵ و ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۰ از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، ماده ۸۲ و بند دوم از ماده ۵۱۳ قانون آیین داری کیفری و رویکرد بازپرورانه آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰، ابعاد مهمی از رویکردهای اصلاحی و بازپروری است که استناد به آنان در رویه‌های قضایی نقش مؤثری در اصلاح مجرمان جنسی خواهد داشت. به‌عنوان نمونه، در ماده ۲۳۴، قانون‌گذار به‌طور خاص به مجازات‌های جایگزین مانند "صد ضربه شلاق" به‌جای اعدام اشاره کرده است که می‌تواند فرصتی برای اصلاح مجرمان جنسی در نظر گرفته شود. این رویکرد، اگرچه همچنان تحت تأثیر اصول شرعی و فقهی است، به‌طور ضمنی تلاش دارد تا بر رویه‌های اصلاحی تمرکز کرده و مجازات‌های حدی را به‌طور محدودتری اعمال کند. همچنین، قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در ماده ۱۱۳ خود بر تحول در نظام کیفری و سیاست حبس‌زدایی تأکید دارد. این امر، هرچند بیشتر در مورد جرائم غیرجنسی مطرح شده، اما می‌تواند شامل مجرمان جنسی نیز شود و رویکردهای اصلاحی و بازپروری را در سیستم قضائی کشور تقویت کند.

ملاحظات اخلاقی: در فرایند نگارش مقاله، اصول اخلاقی ارجاع‌دهی و امانت‌داری در استناد به کتب، مقالات و اسناد رعایت شده است.

تعارض منافع: بنا بر اظهارات نویسندگان مقاله، تعارض منافی در آن وجود ندارد.

سهم نویسندگان: فرایند نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که به هر نحوی در نگارش مقاله سهم دارند، سپاسگزاری می‌شود.

تأمین اعتبار: پژوهش حاضر بدون تأمین اعتبار مالی انجام شده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- پهلوان، زکیه؛ آقایی بجستانی، مریم و حقیقت، محمدامین (۱۴۰۰). «کیفرزدایی از جرائم جنسی در حقوق ایران تجلی حقوق بشر اسلامی». *فصلنامه حقوق بشر/اسلامی*، ۱۰(۳): ۱۳۹-۱۵۴.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰). «تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام». *فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۲(۴): ۴۷-۶۸.
- ریاضت، زینب (۱۳۹۷). «نقش اسناد بین‌المللی و حقوق بشری در تحول کیفر حبس و جایگزین حبس». *فصلنامه وکیل مدافع: فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری*، ۸(۱۷): ۳۷-۱۷.
- زارعی‌کمالیه، مجتبی (۱۳۹۹). «تحلیل و بررسی فلسفه کیفر و مبانی آن در فقه و حقوق». *فصلنامه بین‌المللی قانون یار*، ۴(۱۴): ۲۳۴-۱۹۳.
- عبدالکریمی، صابر و حسینی، سید علیرضا (۱۴۰۱). «بررسی تحلیلی روش‌های پزشکی بازپروری مجرمان با تأکید بر حقوق ایران و انگلیس». *فصلنامه قرآن و طب*، ۷(۴): ۶۴-۷۷.
- محمدی‌کی، علیرضا و اکبرزاده‌سراج، الناز (۱۴۰۳). «فلسفه حقوق کیفری در جرائم جنسی». *فصلنامه مطالعات فلسفه حقوق*، ۱۱(۱): ۱۲۱-۱۴۳.
- محمودی‌جانکی، فیروز (۱۳۸۶). «چالش نظریه‌های اصلاح و درمان». *فصلنامه حقوقی‌گواه*، ۱۱(۱).
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۷). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ بازنگری سال ۱۳۶۸*. تهران: انتشارات دوران.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۸۵). «بازپروری بزهکاران در مقررات ایران». *فصلنامه تخصصی فقه و حقوق*، ۳(۱۱): ۱۴۵-۱۶۴.

ب. منابع انگلیسی

- Andrews, D. A & Bonta, J (2021). "Rehabilitating Criminal Justice Policy and Practice". *The Lancet Psychiatry*, 8(8): 645-656.
- Council of Europe (1950, amended 1994, 2004, 2013). *European Convention on Human Rights, as Amended by Protocols Nos. 11, 14, and 15, Supplemented by Protocols Nos. 1, 4, 6, 7, 12, 13, and 16*.
- Council of Europe (2000). *Protocol No. 12 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms*. Rome.
- Council of Europe (2002). *Protocol No. 13 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms Concerning the Abolition of the Death Penalty in All Circumstances*. Vilnius.
- Grove, W. M; Zald, D. H; Lebow, B. S; Snitz, B. E & Nelson, C (2000). "Clinical Versus Mechanical Prediction: A Meta-Analysis". *Psychological Assessment*, 12(1): 19-30.
- Hanson, R. K; Bourgon, G; Helmus, L & Hodgson, S (2009). *The Principles of Effective Correctional Treatment Also Apply to Sexual Offenders* (User Report 2009-01). Canada: Public Safety Canada.
- Hanson, R. K & Morton-Bourgon, K. E (2009). "The Accuracy of Recidivism Risk Assessments for Sexual Offenders: A Meta-Analysis of 118 prediction studies". *Psychological Assessment*, 21(1): 1-21.
- Harris, G. T & Rice, M. E (2003). "Actuarial Assessment of Risk among Sex Offenders". *Annals of the New York Academy of Sciences*, 989: 198-210.
- Kazdin, A. E (2008). "Evidence-Based Treatment and Practice: New Opportunities to Bridge Clinical Research and Practice, Enhance the Knowledge Base, and Improve Patient Care". *American Psychologist*, 63(3): 146-159.

- Lappi-Seppälä, T (2012). "Imprisonment and Penal Policy in Finland", *Scandinavian Studies In Law*, 56:337-408.
- Palmer, T. & Bonta, J (2010). "Psychology, Public Policy, and Law: The History of Criminal Justice Reform." *Psychology, Public Policy, and Law*, 15(1): 39-55.
- United Nations (1984). *Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment*. (Resolution 39/46).
- United Nations (1990). *Basic Principles for the Treatment of Prisoners* (G.A. res. 45/111, annex, 45 U.N. GAOR Supp. No. 49A, at 200, U.N. Doc. A/45/49).
- United Nations (1992). *Declaration on the Protection of All Persons from Being Subjected to Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment* (General Assembly Resolution 74/133).
- United Nations Economic and Social Council (1999). Resolution 1999/27, annex.